نقش سرایدار در سرقت مسلحانه بررسی می‌شود

سرایدار ساختمانی در شمال تهران در حالی به اتهام سرکردگی سرقت مسلحانه پای میز محاکمه ایستاد که تلاش پلیس برای بازداشت اعضای باند ناکام مانده‌است.

به گزارش «جوان»، آبان ماه سال گذشته مأموران پلیس تهران تلفنی از دستبرد مسلحانه به آپارتمانی مسکونی در منطقه زعفرانیه با خبر و برای بررسی موضوع راهی محل شدند. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد لحظاتی قبل چهار مرد مسلح نقابدار، همراه سرایدار ساختمان وارد آپارتمان طبقه دوم شده‌اند و پس از تهدید مادر و دو دخترش تمامی پول‌ها، طلاها و جواهرات آنها را به ارزش چند میلیارد تومان سرقت کرده و از آنجا گریخته‌اند. یکی از اعضای خانواده به مأموران گفت: «ساعت ۷ عصر بود و من همراه مادر و خواهرم در خانه نشسته بودیم که زنگ خانه نواخته شد. همیشه همین ساعت سرایدار مقابل در آپارتمان می‌آمد و زباله‌ها را می‌گرفت و من فکر کردم سرایدار است و در را باز کردم. مردی چکمه‌پوش پایش را لای در گذاشت و سپس خودش همراه سه مرد نقابدار مسلح و سرایدار وارد آپارتمان ما شدند. آنها با تهدید اسلحه همه پول‌ها و طلاهای ما را سرقت کردند و رفتند.»

■ بازداشت سرایدار

با شکایت اعضای این خانواده، مأموران به دستور بازپرس دادسرا تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری سارقان مسلح آغاز کردند، اما سارقان نقابدار حرفه‌ای هیچ ردی از خود باقی نگذاشته بودند و مأموران در شناسایی و دستگیری آنها ناکام ماندند. مأموران پلیس در ادامه سرایدار جوان را به نام بهنام که یک سابقه کیفری در پرونده‌اش داشت، به دلیل همراهی سارقان و مقاومت نکردن در مقابل آنها به اتهام همدستی با سارقان مسلح بازداشت کردند. در حالی که متهم در بازجویی‌ها جرم خود را انکار و ادعا کرد سارقان را نمی‌شناسد و از ترس در مقابل سارقان مسلح سکوت کرده، کیفرخواست وی به عنوان سرکرده باند سارقان از سوی بازپرس دادسرا صادر و پرونده‌وی برای محاکمه به شعبه دوم دادگاه کیفری استان فرستاده شد.

■ درخواست اشد مجازات

متهم چند روز قبل از زندان به دادگاه منتقل و در مقابل شاکیان محاکمه شد. یکی از دختران جوان در دادگاه گفت:«آن روز فکر کردم سرایدار است و می‌خواهد کیسه زباله را بگیرد و به همین‌خاطر در را باز کردم، اما چهار مرد مسلح نقابدار همراه سرایدار وارد خانه ما شدند. آنها اسلحه روی سر ما گذاشتند و خواستند طلاها و پول‌هایمان را به آنها بدهیم. مادرم گفت تمامی پول‌ها و طلاها را در بانک نگهداری می‌کنیم، اما آنها به اتاق خواب رفتند و پس از ۲۰ دقیقه با تمامی پول‌ها و طلاها برگشتند. در این میان سرایدار در گوشه‌ای دست به سینه ایستاده‌بود و حرکتی نمی‌کرد و من نمی‌دانم او همدست سارقان بود یا نه؟ و به همین دلیل از او شکایتی ندارم و می‌خواهم دادگاه درباره گناهکار بودن یا نبودن او تصمیم بگیرد و حکم جاری کند، اما برای سارقان مسلح اشد مجازات را درخواست دارم.»

مادر دختر جوان هم گفت:«سارقان تمامی زحمت‌های ۵۰ ساله من و شوهرم را با خود بردند و برای آنها درخواست اشد مجازات دارم و امیدوارم آنها شناسایی و بازداشت شوند. آن روز سرایدار از ما دفاعی نکرد و نمی‌دانم او بی‌گناه یا گناهکار است. از دادگاه می‌خواهم بررسی کند و درباره او تصمیم بگیرد.»

وکیل یکی از دختران جوان هم گفت:«موکلم خارج از کشور است و من از طرف او برای سارقان درخواست اشد مجازات دارم. آن روز سارقان نقابدار خیلی راحت خودشان را با آسانسور به طبقه دوم می‌رسانند و سرایدار هم که وظیفه‌اش دفاع از ساکنان ساختمان است، هیچ اقدامی نکرده و همین دلایل نشان می‌دهد او همدست سارقان بوده‌است.»

■ بی‌گناهم

در ادامه متهم ۴۰ ساله در جایگاه ایستاد و در دفاع از خودش گفت:«من در آن حادثه بی‌گناهم و اصلاً سارقان را نمی‌شناختم و با آنها همکاری نکردم. من معلم اخراجی بودم و به همین دلیل برای کار از شهرستان به تهران آمدم و به عنوان سرایدار ساختمان مشغول به کار شدم. آن روز شیره تریاک مصرف کرده‌بودم و حال خوبی نداشتم و در اتاق سرایداری مشغول نقاشی بودم که چهار مرد مسلح نقابدار وارد اتاق من شدند و از من سؤال کردند خانه زنی که همراه دو دخترش زندگی می‌کند، کدام است. من حتی به دروغ خانه سمت چپی را نشان دادم، اما آنها خودشان زنگ خانه سمت راستی را زدند و وارد خانه آنها شدند. سارقان مرا کتک هم زدند به طوری که دندان‌های مصنوعی‌ام شکست، اما در بازجویی‌ها کارآگاهان گفتند خونی در دهانم نبوده و من دروغ می‌گویم. در صورتی که دندان‌های من مصنوعی بود و هنگام شکستن خونی در دهانم جمع نشد. من آن روز خیلی ترسیدم وبرای دفاع از خودم و ساکنان خانه اسلحه‌ای نداشتم و به همین دلیل در مقابل آنها سکوت کردم.»

وکیل متهم نیز گفت:«به نظر من بهنام بی‌گناه است و با سارقان همدست نبوده‌است. سارقان مسلح بودند و او به خاطر اینکه برای خودش و ساکنان ساختمان اتفاق بدی رخ ندهد، در برابر آنها مقاومت نکرده و الان تقاضا دارم از اتهامش تبرئه شود.»

پس از اظهارات شاکیان و دفاعیات متهم و وکیلش، قضات دادگاه برای صدور رأی وارد شور شدند.

مرگ آتشین ۴ سرنشین پژو

تصادف یک دستگاه اتوبوس مسافربری با یک دستگاه خودروی پژو و یک دستگاه پراید در جاده سبزوار به بردسکن، مرگ چهار سرنشین پژو را در پی داشت.

سرهنگ حسین بیات‌مختاری، فرمانده انتظامی شهرستان سبزوار گفت: ساعت ۲۱:۴۵ شب چهارشنبه ۲۱ تیرماه تصادف چند دستگاه خودرو در محور سبزوار - بردسکن به مأموران پلیس اعلام شد.

وی افزود: بررسی‌های اولیه نشان داد یک دستگاه اتوبوس با ۲۵ مسافر با یک دستگاه خودروی ۴۰۵ با چهار نفر سرنشین و یک دستگاه پراید به شدت با هم برخورد کرده‌اند که در این حادثه خودروی ۴۰۵ و اتوبوس دچار حریق شده‌اند. به گفته وی، در این حادثه تمامی سرنشینان اتوبوس بلافاصله از اتوبوس خارج می‌شوند، اما سرنشینان خودروی ۴۰۵ در داخل خودرو گیر می‌افتند و در اثر آتش‌سوزی جان خود را از دست می‌دهند. کارشناسان پلیس‌راه دلیل بروز حادثه را تجاوز به چپ سواری ۴۰۵ اعلام کردند.

آهنگر میانسال به چند بیمار زندگی بخشید

■ غلامرضا مسکنی

اعضای بدن آهنگری میانسال که در جریان حادثه کاری در نظر آباد هشتگرد دچار مرگ مغزی شده بود به بیماران نیازمند اهدا شد. برادر مرد فوت شده گفت: وقتی تیم پزشکان اعلام کردند برادرم مرگ مغزی شده‌است با خانواده‌اش صحبت کردم و آنها هم برای رضای خدا و رسیدن ثواب به روح آن مرحوم تصمیم گرفتند کلیه‌ها و کبدوی را به بیماران نیازمند اهدا کنند.

پیش از ظهر روز جمعه ۲۳ تیرماه، مأموران کلانتری ۱۰۹ بهارستان به قاضی وحید ناصری، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اعلام کردند مرد ۴۸ ساله‌ای به نام یوسف مرادی پس از حادثه کاری، دچار مرگ مغزی و پیکر او برای اهدای عضو به بیمارستان سینای تهران منتقل شده است.

یکی از مأموران گفت: «مرد فوت شده از بیمارستانی در کرج به بیمارستان سینا منتقل شده است و خانواده‌اش تصمیم دارند اعضای بدنش را به بیماران نیازمند اهدا کنند و از آنجایی که مرد میانسال بر اثر حادثه به کام مرگ رفته است، این کار به دستور قضایی نیاز دارد.»

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی دستورات لازم را براساس درخواست اولیای دم برای سیر مراحل اهدای عضو مرد فوت شده به بیماران نیازمند صادر کرد.

برادر مرد فوت شده درباره این اقدام خداپسندانه به خبرنگار ما گفت: «برادرم متأهل بود و دو فرزند داشت. دختر جوانش عروس شده و او همراه پسر ۱۷ ساله و همسرش زندگی می‌کرد. برادرم مرد زحمتکشی بود و در کارگاه آهن‌فروشی در شهرستان نظرآباد استان البزر مشغول به کار بود. او پدری مهربان و شوهری فداکار بود و همه دوستان و بستگان از یوسف به خوبی یاد می‌کنند، چون آزارش به کسی نمی‌رسید و به همه خوبی می‌کرد.»

■ حادثه کاری

برادر یوسف مرادی درباره حادثه مرگبار توضیح داد: «برادرم ۲۰ سال در آن کارگاه مشغول به کار و مورد اطمینان صاحب آنجا بود. روز حادثه او در محوطه کارگاه مشغول کار بوده و همزمان هم جرثقیل بار جابه‌جا می‌کرده که برای سیم

جرثقیل مشکلی پیش می‌آید و بار به برادرم برخورد می‌کند و او تعادلش را از دست می‌دهد. پس از آن سر برادرم به آهن‌های داخل کارگاه می‌خورد و بیهوش می‌شود.»

■ اقدام خداپسندانه

وی درباره تصمیم اهدای عضو اعضای برادر فوت شده‌اش گفت: «پس از این حادثه، برادرم را برای درمان به بیمارستان امام حسن مجتبی می‌برند و در ادامه هم به بیمارستان مدنی کرج منتقل و در آنجا بستری می‌شود. عصر روز پنج‌شنبه ۲۲ تیرماه پزشکان بیمارستان اعلام می‌کنند تلاش برای نجات جان یوسف نتیجه‌ای نداده و برادرم دچار مرگ مغزی شده است. از آنجایی که برادرم فرد خیری بود و همیشه در کارهای عام‌المنفعه شرکت می‌کرد، من و خانواده‌اش پس از مشورت به این نتیجه رسیدیم که کار خیری برای روح آن مرحوم انجام دهیم، از این‌رو تصمیم گرفتیم اعضای بدنش را به بیماران نیازمند اهدا کنیم. ما پیکر او را به بیمارستان سینا منتقل کردیم و پزشکان آنجا هم اعلام کردند کلیه‌ها و کبد او را به بیماران نیازمند پیوند می‌زنند. البته ما می‌خواستیم قلبش هم به بیماران نیازمند اهدا شود، اما پزشکان اعلام کردند زمان آن گذشته است. الان مطمئن هستم روح برادرم به خاطر چند بیماری که با اهدای اعضای بدنش زندگی دوباره پیدا کرده‌اند، شاد است.»

عکس سلفی راز سرقت طلایی را برملا کرد

■ آرمین بینا

دختری که با همدستی یکی از بستگانش برای سرقت طلا و جواهرات از خانه پسر مورد علاقه‌اش سه سارق اجیر کرده بود پس از سلفی گرفتن با یکی از انگشترهای سرقتی، بازداشت شد و راز سرقت را برملا کرد.

اردیبهشت‌ماه سال گذشته مردی وحشت‌زده با اداره پلیس تهران تماس گرفت و اعلام کرد سه سارق مسلح نقابدار به خانه‌اش دستبرد زده‌اند. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس به محل حادثه، آپارتمان مسکونی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران رفتند. بررسی‌ها نشان داد سه سارق مسلح دقایقی قبل از طریق بالکن وارد آپارتمان طبقه اول شده‌اند و پس از بستن دست و پای اعضای خانواده، بیش از سه کیلو طلا سرقت کرده و از محل گریخته‌اند. شاکی در توضیح ماجرا گفت: «همسر و فرزندانم همه خواب بودند و من در پذیرایی در حال تماشای تلویزیون بودم. تصمیم داشتم به اتاق خواب بروم و بخوابم که ناگهان سه مرد مسلح نقابدار را بالای سرم دیدم. شوکه شده بودم و زبانم بند آمده بود. آنها با تهدید اسلحه از من خواستند حرفی نزنم. مردان مسلح ابتدا دست و پای مرا با پارچه‌ای بستند و بعد هم سراغ اعضای خانواده‌ام رفتند و دست و پای آنها را هم بستند. سپس به زور کلید گاوصندوق را گرفتند و همه طلاها و جواهراتمان را که بیش از سه کیلو بود، سرقت کردند و رفتند. پس از این به سختی دست و پایم را باز کردم و با اداره پلیس تماس گرفتم.»

■ سارقان حرفه‌ای

با شکایت مرد پولدار، پرونده به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی سارقان در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد سارقان به صورت حرفه‌ای عمل کرده و از خود هیچ ردی به جا نگذاشته‌اند. از سوی دیگر مشخص شد سارقان حرفه‌ای علاوه بر پوشاندن چهره و پوشیدن دستکش از پلاک سرقتی برای موتورسیکلت‌شان استفاده کرده‌اند.

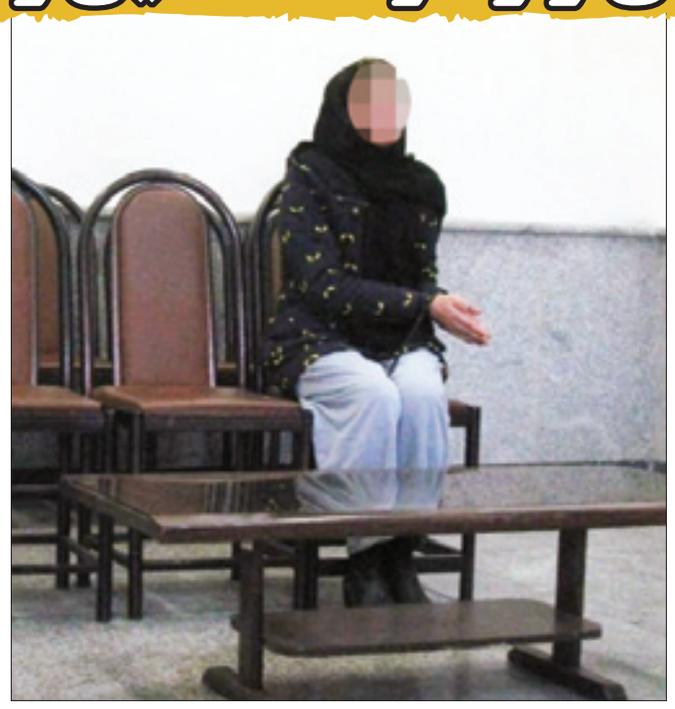

■ ردپای دختر مورد علاقه

در حالی که ۱۴ ماه از حادثه گذشته بود و مأموران هیچ ردی از سارقان نقابدار پیدا نکرده بودند، پسر شاکی به اداره پلیس رفت و راز سرقت چند میلیارد تومانی خانه‌شان را برملا کرد. وی گفت: «چند ماه قبل از حادثه سرقت منزلمان با دختر جوانی به نام فتانه آشنا شدم. رابطه ما چند ماهی طول کشید و به هم علاقه پیدا کردیم. او چند باری به بهانه دیدن خانواده‌ام به خانه ما آمد، اما کم کم رابطه‌اش را با من کم و کمتر کرد تااینکه با هم قطع رابطه کردیم. البته من در اینستاگرام او را دنبال می‌کردم تا اینکه یک روز قبل دیدم عکس سلفی از خودش منتشر کرده و انگشتری شبیه انگشتر قیمتی مادرم به دست دارد. مشکوک شدم و احتمال دادم انگشتر دست او همان انگشتر مادرم باشد که یک سال قبل سرقت شده بود، به همین دلیل عکس را به مادرم نشان دادم و او هم تأیید کرد انگشتر خودش است. الان مطمئن هستم او سارقان را برای سرقت از خانه ما اجیر کرده‌است.»

■ وسوسه پولدار شدن

بدین ترتیب مأموران پلیس پس از اظهارات پسر جوان به دستور بازپرس پرونده، فتانه را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم ابتدا منکر جرم خود شد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد اعتراف کرد با همدستی یکی از بستگان نزدیکش سه سارق حرفه‌ای را برای سرقت اجیر کرده است. وی گفت: «وقتی فهمیدم مادر پسر مورد علاقه‌ام مقدار زیادی طلا خریده‌است، وسوسه پولدار شدن به جانم افتاد و پس از مشورت با یکی از بستگانم سه سارق حرفه‌ای اجیر کردیم.» مأموران پلیس در ادامه متهمان دیگر را بازداشت کردند. متهمان در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کردند.

گفت‌وگو با دختر جوان

فتانه چه شد که برای سرقت از خانه پسر مورد علاقه‌ات سارق اجیر کردی؟

وسوسه پولدار شدن داشتم و می‌خواستم خیلی زود به آرزوهایم برسم. همیشه دوست داشتم خودروی مدل بالا و خانه‌ای مجلل داشته باشم، به همین دلیل وقتی متوجه شدم مادر دوستم مقدار زیادی طلا خریده، وسوسه شدم و نقشه سرقت را طراحی کردم.

چطور متوجه شدی؟

در میهمانی همراه فرشید شرکت کرده بودم و همه درباره سرمایه‌گذاری و خرید و فروش طلا و دلار صحبت می‌کردند. فرشید هم به دوستانش گفت مادرش سه کیلو طلا خریده و در خانه‌شان نگهداری می‌کند.

پس از آن چه شد؟

وقتی این را شنیدم، وسوسه سرقت به جانم افتاد و بعد هم با یکی از بستگانم که او هم سارق حرفه‌ای است مشورت کردم. او سه سارق حرفه‌ای اجیر کرد و آنها هم طبق نقشه سرقت کردند.

پولدار شدی؟

به‌هرحال تعدادمان زیاد بود و طلاها را تقسیم کردیم. من سهم زیادی گیرم آمد که قسمتی را فروختم و مقداری را هم برای خودم نگه داشتم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه، چون همه چیز طبق نقشه پیش رفته بود و سارقان هم حرفه‌ای بودند و هیچ ردی از خود به جانگذاشتند، اما ندانم‌کاری من نقشه حرفه‌ای آنها را نقش برآب کرد.

چرا؟

من رابطه‌ام را با فرشید قطع کرده بودم و فکر نمی‌کردم پس از یک سال او هنوز مرا در اینستاگرام دنبال کند. از طرفی هم احتمال نمی‌دادم یک انگشتر راز طلاهای سرقتی را برملا کند.

یادداشت

عزم پلیس امنیت اقتصادی در برخورد با جرائم و مفاسد اقتصادی

سرتیپ حسین رحیمی
رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا

امنیت اقتصادی، مفهومی به گستره همه کشورهای دنیا دارد که در سایه امنیت و آرامش به رشد و شکوفایی دست می‌یابد و در حقیقت امنیت و آرامش مهم‌ترین مؤلفه داد و ستد و در یک کلمه رشد و رونق اقتصاد در طول تاریخ بوده و هست و این مهم یعنی داد و ستد و پویایی و رشد اقتصادی و تجاری همواره در سایه امنیت و آرامش به نحو بهتر و مطلوب‌تری به سرانجام رسیده‌است، چراکه رشد و تعالی و پیشرفت اقتصادی نیازمند مقابله و مبارزه جدی با مفاسد و جرائم اقتصادی و قاچاقچیان کالا و ارز از مرزها تا قلب شهرها است.

دشمن امروز وزارت اقتصاد خود را به وزارت جنگ علیه کشور ما تبدیل کرده‌است و در کنار همه خباثت‌ها و بدذاتی‌های خود تلاش دارد که با هجمه‌های ناجوانمردانه خود در زمینه‌های مختلف اقتصادی از جمله تحریم‌ها و محاصره‌های اقتصادی به اهداف شوم خود که در حقیقت استعمار و استثمار ایران است، دست پیدا کند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل عظیم‌الشأنمان و به مدد و توفیقات الهی و حضور هوشمندانه و آگاهانه ملت بزرگ ایران باعث شد تا دست دشمنان از منافع این مرز و بوم کوتاه شود و این گونه شد که زیاده‌خواهان و دیوسیرتانی چون امریکا و ایادی و دست‌نشانده‌های آنان که همواره به دنبال به یغما بردن منابع طبیعی و به قهقرا کشاندن نیروی انسانی ما بودند، دست خیانتشان از دامان منافع کشورمان کوتاه شود و دیگر نتوانستند که منابع ملی این کشور را به ثمن بخس به یغما و تاراج برند و همین دلیل کافی بود تا همه عزم خود را جزم کنند و همه داشته‌ها و توان خود را به میدان آورند تا طومار این انقلاب را در هم بپیچند که جنگ ناجوانمردانه و نابرابر هشت ساله و کودتاهای نافرجام و بخش‌های گل‌درشت و نخ‌نمای این دسیسه‌ها و نامردی‌ها بود تا هزاران فتنه و آشوب و بلوای دیگر که همه و همه به همت و تلاش و در میدان بودن مردم همیشه در صحنه خنثی و ابتر ماند.

امروز هم با توجه به توانمندی‌های ایران اسلامی در حوزه‌های دفاعی و عجز و ناتوانی دشمنان در رویارویی مستقیم با انقلاب اسلامی به پشتوانه مردم غیور و مردان مردش، دشمنان به دنبال خنجر زدن از پشت به این کشور هستند و هر بار دسیسه‌ای را دنبال می‌کنند که در سال‌های اخیر با روی آوردن و تمرکز بر مسائل اقتصادی تلاش دارند تا اقتصاد و معیشت و زندگی مردم را با مشقت بیش از پیش روبه‌رو کنند.

در این راستا هستند کسانی که در حقیقت پیاده‌نظام دشمنان هستند و با اقدامات مجرمانه خود تیشه به ریشه مردم خود می‌زنند و به قول گفتنی آب به آسیاب دشمنان می‌ریزند که در این میان محتکران و مفسدان و مجرمان اقتصادی سهم عمده و نقش ویژه‌ای را در این حوزه بر عهده دارند.

از سوی دیگر قاچاق کالا و ارز موریانه‌وار می‌تواند اقتصاد یک کشور را فلج کند و ضربه جبران‌ناپذیری را بر تولید داخلی، اشتغال و در یک کلمه اقتصاد کشور وارد کند که همه این موارد خواسته و ناخواسته بازی در زمین دشمن محسوب می‌شود.

امروز پلیس امنیت اقتصادی فراجا با قدرت با قاچاق سازمان‌یافته در گستره ایران اسلامی در حال مقابله و مواجهه است و با همه توان سعی خواهد کرد که با برخورد قانونی با مجرمان و مفسدان اقتصادی سهم خود را در این کارزار مهم ایفا کند و اجازه ندهد که دشمنان برای به یغما بردن منابع کشور و ایادی و دست‌نشانده‌های آنان برای کسب سود و منفعت باد آورده بیشتر به اقتصاد مردم آسیبی وارد کنند.

امسال سال جهش پلیس اقتصادی در حوزه‌های برخورد با جرائم و مفاسد اقتصادی است و در این زمینه به صورت مستمر و هدفمند با احصای دقیق جرائم و مفاسد سازمان‌یافته در حوزه‌های مختلف اقتصادی در بخش‌های گمرکات، کالا و ارز با این مهم برخورد جدی خواهیم کرد.

این تازه اول راه است.

له شدن پراید زیر اتوبوس

در تصادف زنجیره‌ای اتوبوس شهری در شهر تبریز یک دستگاه پراید زیر اتوبوس له شد.

این تصادف دیروز جمعه ۲۳ تیر ماه در بازارچه سیلاب تبریز رخ داد و خبر آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر و از سوی کاربران فضای مجازی با واکنش‌هایی روبه‌رو شد.

این حادثه ۱۰ مصدوم بر جای گذاشته‌است و گفته می‌شود حال تعدادی از مجروحان وخیم است.

مفقودی

گواهی می شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره فاکتور ۹۸۰۳۷۰۴۴۸ و شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۱۸۰۱۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

البرز

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی:

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۰۶۰۰۲۷۱۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان نور تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان آقای/خانم مصطفی کرد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری باغی) به مساحت ۲۵۸/۱۵ متر مربع به پلاک ۱۳۵ فرعی ۳۰ اصلی واقع در قریه حاجی آباد بخش ۱۱ حوزه ثبت نور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه های سراسری و محلی آگهی می گردد تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند، باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند.

معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۴/۲۴ نوبت دوم ۱۴۰۲/۰۵/۰۷

علی سعادتی رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

شناسه آگهی: ۱۵۲۵۷۲۹

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۳۰۰۰۹۴۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۹ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم علی راحمی فرزند یحیی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی / به مساحت ۴۲۹/۹۴ متر مربع به شماره پلاک ۳۲۱ فرعی از ۸ اصلی واقع در قریه سالده علیا بخش ۱۱ خریداری شده از آقای / خانم نعمت اله ابراهیمی و باب اله قاسمی مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی /کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. **تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ نوبت دوم ۱۴۰۲/۰۴/۲۴**

عین اله تیموری- کفیل رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

شناسه آگهی: ۱۵۱۹۸۸۷